

احترام اهل بیت پیامبر علیهم السلام در نظر اهل تسنن

رضا استادی

چکیده

یکی از ویژگی‌های مشترک میان شیعیان و اهل سنت، احترام و ارج نهادن به مقام والای اهل بیت علیهم السلام است. تمامی اهل سنت امامان اهل بیت علیهم السلام را به عنوان فرزندان فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله دوست دارند و به جز وهابیان، به زیارت قبور آنها می‌روند. جوامع حدیثی اهل سنت، سرشار از روایاتی است که در آنها فضایل اهل بیت علیهم السلام برشمرده شده و به محبت و دوستی این بزرگواران سفارش شده است. اهل سنت با اینکه همانند شیعیان به امامت فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله معتقد نیستند، احترام ویژه‌ای برای مزار امامان علیهم السلام قایل‌اند و گاهی به زیارت این قبور مطهر می‌روند. حتی برخی از اهل سنت مانند شیعیان به امامان اهل بیت علیهم السلام توسل می‌جویند و ایشان را واسطه فیض پروردگار می‌دانند. در کتاب‌های اهل سنت به موضوع شفاعت نیز پرداخته شده و روایات بسیاری در این باره در آنها به چشم می‌خورد.

این نوشتار به یکی از مشترکات میان شیعیان و اهل سنت، یعنی احترام به اهل بیت علیهم السلام پرداخته و بر پایه برخی روایات در کتاب‌های اهل سنت، آن را در چهار محور «محبت اهل بیت علیهم السلام»، «زیارت»، «توسل» و «شجاعت» بررسی کرده است.

واژگان کلیدی: اهل سنت، محبت اهل بیت علیهم السلام، زیارت، توسل، شجاعت.

هنگامی که موضوع احترام به اهل بیت رسالت علیهم السلام و اظهار علاقه و محبت به ایشان مطرح می‌شود، خودبه‌خود این پرسش نیز طرح می‌گردد که همان‌طور که شیعیان به اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله علاقه‌مند هستند و به اولاد پیامبر و قبور این بزرگان اظهار علاقه می‌کنند، آیا اهل تسنن هم به همین شکل احترام قائلند یا خیر؟

در پاسخ به این پرسش بهتر است مقدمه‌ای را عرض کنم: اولاً باید توجه داشته باشیم که اگر با اهل تسنن، در مسئله امامت اختلاف داریم، معنایش این نیست که در همه مسائل مربوط به اهل بیت با هم اختلاف داشته باشیم. بله، در مسئله امامت با هم اختلاف داریم - و امیدواریم که با بحث‌های آزاد و سازنده به جایی برسیم که حقایق آن‌گونه که هست، برای همه روشن گردد - اما در مورد اهل بیت علیهم السلام و احترام به آنها مشترکات بسیار است. از سوی دیگر باید توجه داشته باشیم که وقتی از اهل تسنن سخن می‌گوییم، «وهابی‌ها» از دایره این بحث خارجند؛ یعنی نباید آنها را در کنار عامه مسلمین آورد و نظر آنها را مطرح کرد؛ زیرا آنها یک سلسله عقاید انحرافی دارند که نه شیعه آن عقاید را قبول دارد و نه سنی. پس بحث درباره آنها جداست.

پس این دو مطلب باید روشن بشود که وقتی می‌گوییم اهل تسنن، ائمه اهل بیت و فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان علی و زهرا علیها السلام را دوست دارند و به زیارت قبور آنها می‌روند و احترام می‌گذارند، منظورمان همه اهل تسنن است؛ مگر وهابی‌ها که حساب جداگانه‌ای دارند. وقتی هم که می‌گوییم عقیده اهل تسنن درباره اهل بیت مثل ماست،

یعنی فضایل بی‌شمار آنان را قبول دارند، اما مسئله «امامت» مستثنی می‌شود یعنی در غیر مسئله امامت، صحبت می‌کنیم.

محبت اهل بیت علیهم‌السلام

پس از بیان این مقدمه، مسئله اول این است که آیا سنی‌ها مثل ما شیعیان، به امیر مؤمنان علی علیه‌السلام و به فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین و ائمه اطهار علیهم‌السلام، محبت دارند یا ندارند؟ آیا این محبت را از ارزش‌ها حساب می‌کنند یا خیر؟

اگر کسی به کتاب‌های حدیثی اهل تسنن، یعنی کتاب‌های دست اولشان مراجعه کند - همان کتاب‌هایی که از هر حیث برای خود آنها، و از جهتی هم برای دیگران معتبر است - می‌بیند این کتاب‌ها پر از احادیثی است که درباره محبت اهل بیت علیهم‌السلام است و به ارزش محبت اهل بیت و این‌که هر کسی آنان را دوست داشته باشد، نزد خدای متعال محبوب است، تصریح می‌کند. مثلاً «جارالله زمخشری» از علمای بزرگ اهل تسنن در نه قرن پیش از این است که تألیفات بسیاری هم دارد. یکی از معروف‌ترین کتاب‌های او، «تفسیر کشاف» است که از تفاسیر معروف می‌باشد. حتی در حوزه‌های شیعه هم این تفسیر در برخی زمان‌ها مورد توجه بوده و بعضی از علمای بزرگ شیعه بر این تفسیر حاشیه نوشته‌اند. در همین کتاب در تفسیر آیه ۲۳ سوره شوری: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ این حدیث نقل شده است:

«قال رسول الله صلى الله عليه وآله ألا من مات على حب آل محمد مات شهيداً»؛ هر کسی با محبت آل پیغمبر از دنیا برود؛ شهید از دنیا رفته است. یعنی ارزش و فضیلت شهید را دارد.

«الا و من مات على حب آل محمد مات مغفوراً له»؛ کسی که با دوستی آل محمد صلى الله عليه وآله از دنیا برود؛ آمرزیده از دنیا رفته است.

«الا و مَنْ مات على حبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مات تائباً»؛ کسی که با دوستی آل محمد از دنیا برود، تائب از دنیا رفته است که شاید معنایش این باشد که دوستی اهل بیت، باعث می‌شود که توفیق توبه پیدا کند و اگر کارهای خلافی هم انجام داده است، تائب از دنیا برود.

«الا و مَنْ مات على حبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مات مؤمناً مستمکماً الايمان»؛ هر کسی با دوستی اهل بیت از دنیا برود؛ با ایمان کامل از دنیا رفته است.

«الا و مَنْ مات على حبِّ آلِ مُحَمَّدٍ بشره ملك الموت بالجنة»؛ هر کسی با دوستی اهل بیت از دنیا برود، ملك الموت یعنی حضرت عزرائیل یا اعوان او هنگام مرگ، او را مژده و بشارت بهشت می‌دهند و آن دو فرشته‌ای که نکیر و منکر نام دارند و مأمور سؤال قبر هستند، او را به بهشت مژده می‌دهند.

«الا و مَنْ مات على حبِّ آلِ مُحَمَّدٍ جعل الله قبره مزار ملائکته الرحمة»؛ هر کس با دوستی اهل بیت از دنیا برود، خداوند قبر او را مزار فرشتگان رحمت خود قرار می‌دهد.

همچنین درباره بغض آل محمد در این روایت نقل شده:

«الا و مَنْ مات على بغض آلِ مُحَمَّدٍ جاء يوم القيامة مكتوب بين عينيه آيس من رحمة الله»؛ هر کسی با دشمنی اهل بیت از دنیا برود، روز قیامت در حالی وارد می‌شود که بر پیشانی‌اش نوشته شده: از رحمت خدا مأیوس است؛ یعنی رحمت خدا با آن وسعت و گستردگی شامل کسی که دشمن اهل بیت باشد نمی‌شود.

این نمونه از روایات مربوط به محبت اهل بیت است که در کتاب‌های معتبر اهل تسنن نقل شده و ایشان به این روایات معتقدند و همان‌طور که شیعه علاقه و محبت به اهل بیت دارد، آنها هم علاقه و محبت به اهل بیت دارند و چنان که عرض شد، مسئله «امامت» امری جداگانه است.

مسئله زیارت

مزارهای اهل بیت و حتی مزارهای تعدادی از امامزاده‌هایی که در ایران و بعضی از



مناطق دیگر بوده، همواره مورد توجه شیعه و سنی قرار داشته است. هر کس با تاریخ اسلام آشنا باشد، می‌داند که تمام این مزارها مثل نجف، کربلا، کاظمین، مشهد و حرم امام علی النقی و امام حسن عسکری علیه السلام در سامراء همیشه مورد احترام همه مسلمانها بوده است و بعضی از این مزارها در مناطق اهل تسنن قرار گرفته است. مثلاً مزار امام هادی و امام عسکری علیه السلام در شهر سامراء که تمام ساکنین آن شهر سنی بوده‌اند، ولی این دو امام بزرگوار در آنجا حرم و صحن و بارگاه دارند و مورد توجه‌اند. تمام این مزارها چه در نجف و کربلا و کاظمین و سامراء و مشهد امام رضا علیه السلام و چه در مدینه و قبرستان بقیع، زیارتگاه همگان است.

با این‌که وهابی‌ها، قبور ائمه بقیع علیهم السلام را خراب کرده‌اند، اما کسانی که در این سال‌ها مشرف می‌شوند، می‌بینند همان‌طور که شیعیان کنار قبور ائمه بقیع می‌روند و می‌ایستند و زیارت می‌کنند و قرآن می‌خوانند و عرض ادب می‌کنند، بسیاری از سنی‌ها هم که توجه دارند، وقتی وارد قبرستان بقیع می‌شوند، در مقابل قبور امام مجتبی و امام سجاد و امام باقر و امام صادق علیهم السلام می‌ایستند و احترام می‌کنند. در مصر، حرمی است که انتسابی به امام حسین علیه السلام دارد و نیز حرمی منسوب به حضرت زینب علیه السلام است. آنها که به مصر رفته‌اند، می‌گویند آنجا غوغا می‌شود؛ یعنی در بعضی مواقع، مثل حرم حضرت معصومه در قم ازدحام می‌شود؛ در حالی که شیعه خیلی اندک است. پس کسانی که در آنجا به زیارت می‌روند، همان اهل تسنن هستند که علاقه به اهل بیت و امام حسین علیهم السلام دارند.

نمونه دیگر حرم حضرت زینب و حضرت رقیه علیهما السلام در دمشق است. درست است که در طول تاریخ، شیعیانی در دمشق بوده‌اند، ولی چنین نبوده که این حرم‌های مطهر فقط مورد توجه شیعیان بوده باشد؛ بلکه مورد توجه اهل تسنن نیز بوده است. همین حرم امام رضا علیه السلام در مشهد مقدس، همیشه مورد احترام اهل تسنن بوده و به زیارت آن حضرت می‌آمده‌اند.

تشیّع در بخشی از شهرهای ایران، سابقه سیصد یا چهارصد یا پانصد سال دارد و پیش از آن ساکنان این مناطق همه سنی بوده‌اند؛ اما در عین حال این مزارها را احترام می‌کرده‌اند و شاید بسیاری از کارهایی که قرن‌ها پیش، در حرم و اطراف حرم امام رضا علیه السلام انجام شده، کار اهل تسنن باشد. پس این یک اشتباه است که کسی خیال کند چون ما با سنی‌ها در مسئله «امامت» اختلاف داریم، پس در همه مسائل مربوط به اهل بیت علیهم السلام با هم اختلاف داریم. البته چون شیعه معتقد به امامت است، علاقه و اظهار علاقه‌اش، یک معنای عمیق‌تری دارد؛ ولی آنها که معتقد به امامت نیستند، فقط به این دلیل که پسر پیغمبر یا نواده پیغمبرند و دارای فضایی هستند احترام می‌کنند.

مسئله توسّل

ما شیعیان ائمه اطهار علیهم السلام را برای برآورده شدن حوائجمان واسطه می‌کنیم. شاید بعضی خیال کنند که این توسل فقط در شیعه هست و اهل تسنن چنین نمی‌کنند؛ این هم اشتباه است. یکی از بزرگان علمای سده پنجم اهل تسنن که بسیار معروف است، در کتاب خود به نام «تاریخ بغداد» که از مهم‌ترین کتاب‌های اهل تسنن است، وقتی امام موسی کاظم علیه السلام را مطرح می‌کند و صحبت از قبر آن حضرت می‌شود، عبارتی قریب به این مضمون دارد که: هر وقت حاجت داشتم، کنار این قبر رفته و از خداوند حاجت خود را گرفته‌ام.^۲ این توسل به اهل بیت علیهم السلام به معنای عمومی‌اش، همان طوری که در میان ما شیعیان مرسوم است؛ در میان اهل سنت هم وجود دارد. باز تأکید می‌کنم که نباید اهل تسنن را عموماً با وهابی‌ها اشتباه بگیریم. وهابی‌ها می‌گویند توسّل و زیارت، کار درستی نیست؛ ولی به مدینه مشرف می‌شویم، وقتی شیعیان اظهار علاقه می‌کنند که به پنجره ضریح رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدیک شوند و دستشان را به آن ضریح برسانند، اهل تسنن هم این کار را

می‌کنند و وهابی‌ها هم مانع شیعیان و هم مانع سنی‌ها می‌شوند. بنابراین همان ناراحتی که ما از وهابی‌ها در این باره داریم، اهل تسنن نیز دارند.

مسئله شفاعت

اصل مسئله شفاعت هم در بین اهل تسنن مطرح است و روایات آن در کتاب‌های آنها آمده است. در کتابی به نام «شفاعت از دیدگاه قرآن و روایات» صد روایت درباره شفاعت نقل شده که حدود نیمی از این روایات از طریق شیعه است و نیم دیگر از طریق اهل تسنن. پس همان‌طور که ما شفاعت را قبول داریم و پیامبر صلی الله علیه و آله را شفیع می‌دانیم، آنها نیز قبول دارند.

پی نوشت‌ها

۱. «قال سمعت الحسن بن إبراهيم أبا علي الخليل يقول: ما همني أمر فقصدت قبر موسى بن جعفر فتوسلت به إلا سهل الله تعالى لي ما أحب». خطيب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۱۳۳.
۲. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۴، ص ۲۲۰.